

گزارشی از نشست نقد و بررسی «شربت زعفران، آویشن...»

روایتی زنانه از رنج، نسل و خاطره



احد مطبوعی

در نشست تخصصی نقد و بررسی نمایش «شربت زعفران، آویشن، پونه و چند قطره روغن گل مغربی»، سید جواد اشکذری به عنوان منتقد، مصطفی یوسف زاده به عنوان مجری، کارشناس به بررسی متن، ساختار، بازی ها و کارگردانی اثر پرداختند و سارا پاکدل، نویسنده و کارگردان نمایش، درباره شکل‌گیری ایده، روند تولید و جهان نشانه شناختی اثر توضیح داد.

● نمایشی که رئالیسم اجتماعی است

سید جواد اشکذری، نمایش را فراتر از عنوان «نمایش زنانه» ارزیابی کرد و گفت که اثر، نمایشی با رویکردی اجتماعی از منظر یک زن است. به اعتقاد او، جنسیت در این نمایش به یک محدودیت موضوعی تبدیل نشده و نگاه زنانه اثر بیشتر در نحوه مواجهه با «درد و رنج» قابل مشاهده است.

عضو کانون ملی منتقدان تئاتر کشور با بررسی نمایش از منظر نویسندگی، «تم» را یکی از نخستین مسائلی دانست که نویسنده باید در شکل‌گیری اثر نسبت به آن آگاهی داشته باشد و «درد و رنج» تم شکل‌گیری روایت داستانی نمایش است.

اشکذری نمایشنامه را دارای تضادهای بسیاری در رفتارهای شخصیت و موقعیت‌های نمایشی دانست و گفت: نمایش مخاطب را در سه موقعیت «مرگ پدربزرگ»، «بارداری دختر» و «سقط جنین» قرار می‌دهد و در تضادهای شادی و غم، خنده و گریه، روایتی از رنج‌ها و درد‌های یک خانواده در دهه ۸۰ به نمایش می‌گذارد. نمایش به خوبی می‌تواند مخاطب را در شرایط زندگی و بحران‌های آن خانواده قرار بدهد. بنابراین تضاد‌های موجود در متن توانسته اند به عناصر مؤثر در شکل‌گیری درام تبدیل شوند.

او همچنین استفاده از ساختار رئالیستی را از نقاط قابل توجه نمایش بیان کرد و گفت در شرایطی که تولید آثار رئالیستی کمتر شده است، این نمایش توانسته ارتباط میان چهار نسل را به یکی از محورهای خود تبدیل کند؛ رویکردی که به گفته او، با بسیاری از نمایش‌هایی که صرفاً بر تقابل نسل‌ها استوارند، تفاوت دارد. این منتقد در ادامه، مهم‌ترین نقطه قوت نمایش را متن دانست و گفت قدرت متن از اجرا بیشتر است. او بازگشت‌های روایی به اتفاقات زندگی خانواده نمایش در دهه ۸۰ را از نقاط مثبت ارزیابی کرد، اما در عین حال معتقد بود در برخی موقعیت‌ها، روایت با سرعت زیادی از جزئیات عبور می‌کند.

اشکذری همچنین به بازی‌ها و میزانشن نمایش اشاره کرد و گفت: برخی اغراق‌ها در بازی بازیگران، تعادل کلی اجرا را تحت تأثیر قرار داده است. از نظر او، اجرای یک نمایش واقع‌گرا به تجربه و دقت زیادی در کارگردانی نیاز دارد و در این اثر نیز می‌توانست میزانشن‌ها با دقت بیشتری طراحی شود.

این هنرمند، «ریم» را از ویژگی‌های اصلی نمایش دانست و تأکید کرد که ریتم اثر در طول اجرا دچار افت نمی‌شود.

● جزئیات دهه ۸۰ در خدمت درام قرار گرفته‌اند



مصطفی یوسف زاده، کارشناس تئاتر، اثر را نمایشی واقع‌گرا دانست که داستان آن در اواخر دهه ۸۰ می‌گذرد. او شخصیت‌های نمایش را متعلق به طبقه متوسط جامعه دانست و جزئیات موجود در متن و اجرا را از نقاط قابل تحسین اثر بیان کرد. به گفته‌وی، این جزئیات به شکلی فک‌ر شده و بر پایه تضاد شکل گرفته‌اند و همین مسئله در بده بستان دیالوگ‌ها و شکل‌گیری موقعیت‌های کمیک نیز خود را نشان می‌دهد.

یوسف زاده همچنین معتقد بود نمایش در عین حرکت در مسیر واقع‌گرایی، در دام افراط در بازنمایی واقعیت گرفتار نشده است. از نظر او، بازآفرینی فضای دهه ۸۰ و رعایت حد و اندازه در نمایش دادن رخداد‌های تلخ، از نقاط قوت متن است. او بازی‌های بازیگران را نیز یکی از امتیازهای نمایش دانست و گفت امضاهای شخصی بازیگران توانسته مفهوم درام را به مخاطب منتقل کند.

● واقع‌گرایی در کنار لایه‌های نمادین

سارا پاکدل، نویسنده و کارگردان نمایش، در بخش پایانی نشست درباره روند شکل‌گیری اثر توضیح داد و از دشواری‌های فرایند رسیدن نمایش به مرحله اجرا گفت.

او با اشاره به اینکه در سال ۱۳۸۸ هفت سال داشته، این مقطع تاریخی را بخشی پررنگ از خاطرات و تجربه زیسته خود دانست. پاکدل همچنین تأکید کرد که در طراحی جهان نمایش، طبقه فرودست جامعه هدف اصلی بوده و این مسئله از طریق جزئیاتی مانند شغل خیاطی مادر، در بخش‌های مختلف اثر بازنمایی شده است.

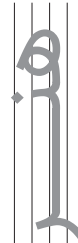
پاکدل درباره نقش گروه طراحی و بازیگران در شکل‌گیری فضای نمایش نیز توضیح داد و گفت طراح لباس و گریم از ابتدای پروژه در کنار گروه حضور داشته‌اند و بازیگران نیز در فرایند تولید به ایجاد جزئیات دقیق‌تر از فضای دهه ۸۰ کمک کرده‌اند.

او همچنین از پیشینه خانوادگی خود و آشنایی با آداب و رسوم خانواده‌های سنتی به عنوان یکی از منابع شکل‌گیری جهان نمایش یاد کرد و گفت علاقه شخصی‌اش به اسطوره‌شناسی را نیز وارد اثر کرده است.

به گفته پاکدل، نمادگرایی در نمایش با هدف نشان دادن ماندگاری برخی سنت‌ها در طول نسل‌ها به کار گرفته شده است. او شخصیت اصلی را در مسیر یک «سفر قهرمان ناکام» توصیف کرد و گفت در طراحی برخی عناصر داستان، از بازنمایی دیوها در روایت‌های ایرانی نیز استفاده شده است.

پاکدل در همین باره به حضور نماد «آل» در یکی از شخصیت‌های داستان اشاره کرد، عصری که به گفته او بخشی از لایه اسطوره‌ای و نمادین نمایش را شکل می‌دهد.

آنچه از مجموع بحث‌های این نشست به دست می‌آید، مواجهه اثری است که در سطح نخست، روایتی اجتماعی و واقع‌گرا از خانواده و زندگی در اواخر دهه ۸۰ ارائه می‌دهد، اما در لایه‌های زیرین خود تلاش می‌کند از طریق اسطوره و نماد، به مفاهیمی چون رنج، سنت، خاطره و انتقال تجربه میان نسل‌ها نزدیک‌شود.



عکس: شهرن آقامی/شهرآر

حالا در کوچه و پس‌کوچه‌های شهر و راسته رسالت ۱۲۰ (جاده سیمان) که روزگاری پررونق راسپری می‌کرد، گوشه‌گیر شده‌اند. در این گزارش «شهرآر»، با هنرمندانی که هنوز با تکیه بر این هنر دست کسب روزی می‌کنند، به گفت وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

آهنگین چکش بر ورق مس جان می‌گرفت. از گلدان تاگنبد و گلدسته، هرچه از این هنر برمی‌آمد، نه حاصل قالب و پرس و ماشین، که محصول دست و بازوی مسگری بود که باهرضربه، شکل و فروتنی به فلز سرخ می‌بخشید. اما روزگار، مس را از خاطره‌ها و بازارها کنار زده است و مسگران مشهد،

هیچ ماشینی نتوانسته اصالت دست را در آن شبیه‌سازی کند.

● بوم سرخ و قلم‌موهایی از جنس آتش و نشادر برخلاف تصور عامه، سفیدگری تنها یک فرایند فنی نیست، بلکه مراحلی دقیق، حسی و کاملاً وابسته به تجربه و مهارت چشم و دست هنرمند دارد. این هنرصنعت کاملاً متکی بر روش‌های دستی است و امکان صنعتی شدن ندارد.

در شرح ظرافت‌ها و فرایند تکنیکی این هنر می‌توان گفت: تمام خاصیت و اصالت کاربردی ظرف مسی، وابسته به همان لایه نازک قلعی است که بر پیکره داخلی آن نشسته است. مس بدون قلع در مواجهه با غذا دچار اکسیداسیون می‌شود، اما وقتی قلع آینه‌ای با ورق مس پیوند می‌خورد، ظرفی سالم، زیباشناسانه و پرخاصیت متولد می‌شود. این فرایند تماماً چشمی و تجربی است. ظرف باید روی کوره کوزه‌گری تا دمایی بسیار دقیق حرارت ببیند. اگر ورق مس بیش از حد کار را بشناسد، اول همین پیچ را نگاه می‌کنند و می‌فهمد که ظرف دست‌سازاست یا نه. «به گفته او، همین پیچ کوچک، امضای مسگر است؛ نشانه‌ای که ماشین هیچ وقت نمی‌تواند تقلیدش کندو برای اهل فن، همان قدر گویاست که ضخامت و یکپارچگی دیواره.

● ظرف مسی میراثی خانوادگی است

این هنرمند اما فقط از رنج این حرفه نمی‌گوید؛ از خاصیتی هم حرف می‌زند که به باور او، ظرف مسی را از همه ظرف‌های دیگر متمایز می‌کند و آن سرو غذا در آن است. او توضیح می‌دهد: ظرف مسی برای غذا خوردن خیلی فواید دارد، حتی دکترها هم استفاده آن را توصیه می‌کنند. فقط باید داخلش سفیدکاری بشود. وقتی داخل ظرف قرمز یا کدر می‌شود، اصلاً ایرادی ندارد و هیچ ضرری هم ندارد؛ فقط غذا کمی طعمش تلخ می‌شود. آنجاست که ظرف به سفیدکاری نیاز پیدا می‌کند. ولی خوب، ظرف می‌ماند، فرسوده نمی‌شود، خودش یک سرمایه است. همین چرخه ساده

سال‌ها استفاده، سفیدکاری و باز هم استفاده ظرف مسی را به میراثی خانوادگی تبدیل می‌کند که از مادربزرگ به نوه می‌رسد؛ چیزی که هیچ‌کدام از ظرف‌های ماشینی بازار، حتی به قیمت ارزان‌تر بودندشان، نمی‌توانند ادعایش را داشته باشند.

● کوچ از چکش کاری سنتی به سپیدی قلع

علی مقدم دیگر هنرمند مسگر مشهدی که سال‌ها در قامت مسگر با ضربات چکش بر پیکر سرخ مس نقش آفرینی می‌کرد، امروزه دست بر آتش هنر «سفیدگری» دارد. می‌گوید: من نزدیک به دوازده سال است که به‌طور مستمر در این حوزه فعالیت دارم. در گذشته، فرایند ساخت مس تماماً سنتی و بر پایه کار دست و چکش‌کاری بود. اما باگذشت زمان و گران شدن مواد اولیه، هزینه بالای دستگاه‌ها و تمایل بازار به ساخت‌های قالبی و صنعتی، کارگاه‌های تولید دستی محدودتر شدند. همین تغییرات باعث شد من که زمانی در بخش ساخت و مسگری دستی فعال بودم، مسیر هنری و حرفه‌ای خود را تغییر دهم و تمام تمرکز خود را بر هنر سفیدگری بگذارم؛ هنری که برخلاف ساخت ظروف، هنوز



علی مقدم:
در گذشته، فرایند ساخت مس تماماً سنتی و بر پایه کار دست و چکش کاری بود. اما با گذشت زمان و گران شدن مواد اولیه، هزینه بالای دستگاه‌ها و تمایل بازار به ساخت‌های قالبی و صنعتی، کارگاه‌های تولید دستی محدودتر شدند

● هنر دست مس در برابر قالب و پرس

به گفته این هنرمند چیره دست، آمدن پرس‌های زنجان و اسفهان با قیمت‌های پایین‌تر، درآمد کار دست را تقریباً صفر کرده است. مس‌های قالبی و کارخانه‌ای، جای آن ظرف‌هایی را گرفته‌اند که تا پیش و بست آن با هنر دست از مس ساخته می‌شد.

او معتقد است مشتری هم که باشد، وقتی قیمت قهوه جوش دست‌ساز با دوازده تا سیزده روز کار و یازده تا دوازده میلیون تومان قیمت، دست نگه می‌دارد. خیلی‌ها سراغ کالاهای ارزان‌تر آلومینیومی می‌روند یا ظرف‌هایی که از برنج و مس قاطی درست شده‌اند و این در حالی است که کار دست، به گفته او، نه تنها هزینه نیست، که اگر بعد از سال‌ها بفروشید، خودش یک نوع سرمایه‌گذاری است؛ ظرف مسی که هرگز فرسوده نمی‌شود و اگر سفیدکاری یا قلعی داخلش شود، سال‌ها برای پخت و پز می‌ماند. با همه این‌ها، هنر دست مشهد هنوز زنده است. یوسفی می‌گوید: استادان این شهر همچنان برای گنبد و گلدسته و کارهای بزرگ، کار انجام می‌دهند و هنرمندان مشهدی مثل استاد نعمتی، هنوز همه جا شناخته شده‌اند. اما غم



عکس: شهرن آقامی/شهرآر

